

روش‌شناسی تصحیح متون حدیثی در یک صد سال اخیر حوزه علمیه قم (مطالعه موردی: تصحیح وسائل الشیعة)

یاسین پورعلی قراجه

(دانش‌آموخته دکتری علوم و معارف نهج البلاغه از دانشگاه قرآن و حدیث و پژوهشگر ارشد دانشگاه عالی دفاع ملی)

pourali.y@gmail.com

مهرداد چوپانی

(دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم و پژوهشگر مؤسسه خاتم النبیین علیهم‌السلام)

Mahjan9112@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷

چکیده

حوزه علمیه قم در صدسال اخیر با جهش علمی قابل توجهی مواجه شده است. علوم حدیث در این سیر صعودی، جایگاه بالایی را به خود اختصاص داده است. تصحیح و چاپ متون حدیثی به جهت ارتقای دانش حدیث، تعیین کننده است. در این راستا می‌توان تصحیح کتاب وسائل الشیعة را یکی از ثمرات علمی سده اخیر حوزه علمیه قم دانست که این کار به امر آیه الله العظمی بروجری و به همت آیه الله ربّانی شیرازی به ثمر نشست. محور اصلی این پژوهش به روش‌شناسی آیه الله ربّانی شیرازی در تصحیح وسائل الشیعة مربوط است. در کنار آن به مباحثی همچون نسخه‌های وسائل الشیعة، چاپ‌های مختلف آن و امتیاز این چاپ بر سایر نسخه‌های چاپی و... پرداخته شده است. کلیدواژه‌ها: حوزه علمیه قم، تصحیح نسخ، روش‌شناسی تصحیح متون، وسائل الشیعة، ربّانی شیرازی.

«این مقاله با حمایت دبیرخانه دائمی کنگره یکصدمین سالگشت بازتأسیس حوزه علمیه قم، دستاوردها و نکوداشت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی علیه‌السلام تألیف شده است.»

۱. مقدمه

از زمان حیات ائمه اطهار علیهم‌السلام تاکنون، آثار حدیثی فراوانی تألیف شده است؛ اما از میان این همه کتب حدیثی فراوان، چهار کتاب به عنوان مصادر مهم حدیثی و منابع اولیه مورد توجه بوده‌اند که به عنوان کتب اربعه حدیثی معروف شده‌اند. در مورد علل شهرت این کتب و مورد توجه قرار گرفتنشان دلائل مختلفی وجود دارد از جمله: ۱. اخذ روایات این کتب از «أصول أربعمائة» که به تأیید ائمه علیهم‌السلام رسیده است؛ ۲. دسته‌بندی روایات و نظم و ترتیب در چینش احادیث، برخلاف کتب اصول اربعمائة؛ ۳. نزدیکی به عصر حضور امام معصوم علیه‌السلام و صدور روایات؛ ۴. سعی و اهتمام مؤلفان کتب یادشده بر جمع‌آوری روایات صحیح و معتبر؛ ۵. اشتهال بر حجم بسیاری از روایات معتبر؛ ۶. وثاقت و مقام بلند علمی مؤلفان کتب اربعه؛ ۷. اهتمام مؤلفان بر حلّ تعارضات و اختلاف روایات (حجت، ۱۳۸۶: ۲۲).

بعد از گذشت حدود ششصدسال از این کتب حدیثی گران‌قدر، برخی مجامع حدیثی دیگری نیز تألیف شدند که دارای امتیازات ویژه‌ای بودند. از میان مجامع حدیثی متأخر، کتاب وسائل الشیعة به جهت اهتمام مؤلف برای جمع‌آوری تمام احادیث فقهی و مؤثر در استنباط احکام شرعی، از میان کتب حدیثی معتبر شیعه، بسیار مورد توجه فقها و علما قرار گرفته است. این کتاب در زمان حیات خود مؤلف نیز همواره مورد توجه بوده است (اشکوری، ۱۳۹۷: ۱/۱۷۶). این کتاب توانست مشکل علما و فقها در صرف وقت فراوان برای یافتن تمام روایات مرتبط در مسائل فقهی را برطرف کند و آنها را از مراجعه به کتب حدیثی و یافتن احادیث دیگر بی‌نیاز کرد؛ اما با وجود تلاش فراوان شیخ حرّ عاملی و امتیازات فراوان این کتاب، دارای نواقص و ایراداتی نیز هست که اشاره خواهد شد.

۱ - ۱. بیان مسئله

شیخ حرّ عاملی حدود بیست سال از عمر شریف خود را برای تألیف وسائل الشیعة صرف کرد و توانست خدمتی گران‌سنگ به علم و جامعه عالمان عرضه کند و بسیاری از مشکلات موجود در مسیر اجتهاد و استنباط احکام شرعی از جمله یافتن روایات مربوطه و مشابه در مصادر مختلف را بر طرف سازد؛ اما با وجود زحمات فراوان، برخی کاستی‌ها و ایرادات موجود در کتاب، از جمله: تقطیعات فراوان و عدم ذکر روایات مشابه و متناظر و ...، بهره‌وری کامل از آن را مختل کرده است.

این مهم سبب شد آیه الله ربّانی شیرازی حسب توصیه آیه الله العظمی بروجردی، مشغول تصحیح این کتاب شریف و افزودن تعلیقات فراوان بر آن شد و در این مسیر، زحمات فراوانی را متحمل شد و در نهایت توانست بخش اعظمی از این کتاب را تصحیح کند و تعلیقات علمی فراوانی بر آن بیفزاید. آنچه ما در این نوشتار به دنبال آن هستیم، بیان ویژگی‌های مهم و روش‌های تصحیح وسائل الشیعة توسط مرحوم ربّانی شیرازی و ویژگی‌های چاپ جدید این کتاب و اهمیت کار ایشان است.

۱ - ۲. پیشینه تحقیق

با مطالعه منابع موجود در خصوص پیشینه این پژوهش، می‌توان گفت آثاری که به نحوی با موضوع پژوهش حاضر در ارتباط باشند، به دو دسته قابل تقسیم‌اند: اول، آثاری که در ارتباط با یکی از شقوق کتاب وسائل الشیعة به نگارش درآمده‌اند؛ دوم، آثاری که در ارتباط با شخص عبدالرحیم ربّانی شیرازی نوشته شده است.

۱ - ۲ - ۱. آثار مرتبط با کتاب وسائل الشیعة

معارف و همکاران در مقاله خود با عنوان «تقطیع روایات در وسائل الشیعة» (۱۳۹۵)، با بررسی ویژگی‌های تقطیع در وسائل الشیعة و جستجو و تحلیل موارد آسیب‌زای تقطیع در این کتاب و مقایسه آن با روش کتاب جامع احادیث الشیعة، در پی ارزیابی پیامدهای تقطیع در این جامع حدیثی‌اند. طبق یافته‌های پژوهش، اشاره دقیق به موارد تقطیع و چگونگی آن توسط مؤلف و نادر بودن موارد تقطیع آسیب‌زا در این کتاب، حکایت از استحکام شیوه حرّ عاملی و دقت ایشان دارد. جامع احادیث الشیعة در غیر اسباب صدور حدیث و نقل فضای پیرامونی آن، همانند وسائل الشیعة ناچار به تقطیع روایات شده است. این موارد، حکایت از آن دارد که آسیب‌های ناشی از تقطیع در کتاب وسائل الشیعة، بسیار اندک بوده و قابل پیشگیری است.

«جایگاه نقد حدیث در وسائل الشیعة» عنوان مقاله‌ای است به‌خامه فتاحی‌زاده و افشاری (۱۳۹۱) که در آن، نویسندگان بر این باورند که نقد و ارزیابی روایت‌ها برای حصول اطمینان از صدور حدیث از معصوم علیه السلام، شیوه مستمر دانشمندان مسلمان، به‌ویژه علمای شیعه بوده است. طبق یافته‌های پژوهش، شیخ حرّ عاملی نیز ذیل برخی روایت‌های متعارض وسائل الشیعة، بیشتر به نقل از دیگر علما به‌ویژه شیخ طوسی، سند یا متن خبر را بررسی کرده و در صورت

ملاحظه ضعف، بدان اشاره کرده است؛ اما هیچ گاه ضعف سند یا متن را معیار قضاوت نهایی خود قرار نداده و روایت را کنار نگذاشته است. تلاش شیخ در توجیه روایت‌های متعارض و اثبات بقای اعتبار و حجیت طرفین تعارض، در وسائل الشیعة مشهود است. او در این راه و برای دستیابی به مقصود خود، از روش‌های مختلفی سود جست و برای حلّ تعارض هر دسته از اخبار کوشیده است تمام احتمال‌های دارای امکان وقوع را مطرح و از ردّ روایت‌ها خودداری کند.

مهدوی‌راد و بهرامی در مقاله‌ای با عنوان «اتحاد یا تعدد در روایات مشابه؛ بررسی تطبیقی عملکرد کتاب‌های وسائل الشیعة و جامع أحادیث الشیعة» (۱۳۸۹) معتقدند که روایات معصومین علیهم‌السلام در مسیر نقل، در قالب نسخه‌های متعدد و نقل‌های متفاوتی درآمده است. نویسندگان در این مقاله، تلاش کردند تا مباحثی از قبیل تعریف اتحاد و تعدد در روایات، فواید شناخت روایات متحد، معیارهای شناخت روایات متحد و مشکلات موجود در این مسیر را به اجمال معرفی کنند. همچنین عملکرد دو کتاب وسائل الشیعة و جامع أحادیث الشیعة در این باره را بررسی و مقایسه کردند.

۱ - ۲ - ۲. آثار مرتبط با شخصیت آیه الله عبدالرحیم ربّانی شیرازی

در سال ۱۳۶۲ مجله پاسدار اسلام در مقاله‌ای با عنوان «بیوگرافی مرحوم آیه الله ربّانی شیرازی»، به زندگی‌نامه سیاسی - اجتماعی ایشان پرداخت. در این مقاله به ترتیب به مبارزه ایشان با رژیم ستم‌شاهی، شکنجه‌ها و زندان‌ها، مقابله با لیبرال‌ها و همچنین نقش و فعالیت ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی اشاره شده است.

محمدرضا تمری در کتابی با عنوان تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیه الله عبدالرحیم ربّانی شیرازی (۱۳۹۴)، با رویکرد تاریخ شفاهی در فصول مختلفی به معرفی شخصیت، زندگی و چگونگی مبارزات آیه الله عبدالرحیم ربّانی شیرازی پرداخته است.

۲. کلیات و مقدمات نظری

۲ - ۱. معرفی آیه الله ربّانی

آیه الله عبدالرحیم ربّانی شیرازی در سال ۱۳۰۱ شمسی در شیراز، متولد شد و در سال ۱۳۲۷ شمسی در زمان مرجعیت آیه الله بروجردی، به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد (جمعی از

نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲/۸۹۱). ایشان در فقه و اصول از محضر بزرگانی چون آیه الله بروجردی و امام خمینی و آیه الله محقق داماد یزدی بهره برد (قائمیه، ۱۳۹۰: ۵/۱۰۵۵).

آیه الله ربّانی به جهت استعداد و قابلیت‌های علمی فراوانی که داشت، همواره مورد توجه استاد خود آیه الله بروجردی بود و اگر روزی در کلاس درس حضور پیدا نمی‌کرد، جای خالی‌اش احساس می‌شد و استاد جویای حال شاگرد می‌شد و به جهت این قابلیت‌های علمی فراوان بود که جزو لجنه علمی تحت نظر آیه الله بروجردی برای تألیف کتاب گران‌سنگ جامع احادیث الشیعة قرار گرفت (اللهی، ۱۳۷۳: ۲۷۲ - ۲۷۶).

آیه الله ربّانی بعد از اثبات توانایی‌های ویژه خود، توجه همگان را به خود جلب کرده بود و به جهت دقت و توانایی فراوانی که در فعالیت‌های حدیثی از جمله مشارکت در تألیف کتاب جامع احادیث الشیعة و تصحیح وسائل الشیعة از خود نشان داده بود، پیشنهادهای کاری مختلفی برای تصحیح کتب حدیثی دریافت می‌کرد، از جمله پیشنهاد علامه طباطبائی برای تصحیح کتاب شریف بحار الأنوار که با وجود اشتغالات زیاد، ولی به جهت جایگاه و احترام علامه، آن را نیز قبول کرد و مشغول به تصحیح آن شد و چهل جلد از این کتاب را تصحیح کرد. علاوه بر فعالیت‌های حدیثی، از ایشان آثار دیگری نیز موجود است که برخی از آنها نیز چاپ شده است:

۱. سلاسل الصوفیه؛ ۲. قضاء الحقوق فی ترجمه الصدوق؛ ۳. حرکت طبیعی از دو دیدگاه؛
۴. تصحیح معانی الأخبار؛ ۵. جزوه‌هایی در فقه و اصول و شرح حال علما و دانشمندان (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۲/۸۹۲).

اما مهم‌ترین اثر ماندگار ایشان، تصحیح و تعلیقه بر کتاب شریف وسائل الشیعة است. این عالم برجسته توانست در مدت حیات مبارک خود، حدود شانزده جلد از این کتاب را تصحیح کند و تعلیقه و حاشیه‌های علمی فراوان بر آن بیفزاید و با این کار، مشکلات و نواقص موجود در کتاب را برطرف کند.

۲ - ۲. نسخه‌های «وسائل الشیعة» و امتیازات آنها

یکی از سختی‌های موجود در راه کسب احادیث و معارف اصیل و صحیح اهل بیت علیهم‌السلام، از بین رفتن آثار مکتوب علما و فقها در طول تاریخ است، به گونه‌ای که گاه آثار مهمی در اختیار گذشتگان بوده است؛ ولی به مرور زمان و نبود امکانات نسخه‌برداری و چاپ و تکثیر، کتاب‌ها از

بین رفته‌اند. این مشکل تا قبل از اختراع امکانات چاپ و تکثیر و انتشار کتب و آثار علمی همچنان وجود داشت. نسخه‌های اصلی کتاب وسائل الشیعة نیز از این قاعده مستثنا نبوده و همواره در معرض نابودی قرار داشته و اگر مجاهدت‌های بزرگان و علما نبود، بی‌شک این آثار به دست ما نرسیده بود. نقل است که بخشی از کتاب وسائل الشیعة به خط خود شیخ حرّ عاملی در اختیار آیه الله حجّت کوه کمره‌ای بوده است و ایشان به این نسخه خطی بسیار اهتمام داشته و از آن مراقبت ویژه‌ای می‌کردند، به گونه‌ای که در سالی که در قم سیل آمده بود و بخشی از شهر را فراگرفته بود، ایشان دستور دادند نسخه کتاب وسائل الشیعة به خارج از قم و جای مطمئن منتقل شود تا مبادا دچار آسیب شود و گفته بوده‌اند: «اگر این کتاب از آفت و گزند خطرات در امان بماند حتی اگر ما غرق هم بشویم، مهم نیست!» (اشکوری / ۱ / ۱۹۳). این اهتمام ایشان از اهمیت حفظ نسخه‌های خطی آثار حدیثی و علمی بزرگان، حکایت دارد.

بعد از ارتحال آیه الله کوه کمره‌ای، این نسخه‌های خطی متفرق شد؛ ولی برخی از اینها همراه نسخه‌های دیگر در کتابخانه‌های مختلف شخصی و عمومی پیدا شده‌اند از جمله:

۱. کتاب الصلاة إلى ابواب القصر و الاتمام، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. به شماره ۱۷۷۶؛

۲. کتاب التجارة، در کتابخانه حاج حسین آقا ملک در تهران، به شماره ۶۵۹؛

۳. کتاب الموارث و خاتمه، در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی قم، به شماره ۱۱۹۱؛

۴. کتاب الجهاد إلى الوصیة، در کتابخانه آیه الله مرعشی قم، به شماره ۴۸۲۳ (همان)؛

۲ - ۳. وسائل الشیعة موجود در زمان آیه الله ربّانی و اشکالات موجود در آن

۲ - ۳ - ۱. مراحل جمع‌آوری و تألیف کتاب «وسائل الشیعة»

ذکر این نکته لازم است که کتاب وسائل الشیعة در سه مرحله، جمع‌آوری و چاپ شده است: ۱. جمع‌آوری و تألیف و اضافه و حذف روایات. این کار در سال ۱۰۷۲ ق تمام شد؛ ۲. دسته‌بندی روایات و مرتب کردن مباحث که حدوداً ده سال طول کشیده است و در سال ۱۰۸۲ ق به اتمام رسید؛ ۳. اضافه کردن تصحیحات لازم و مقابله و بازنگری که این کار نیز حدود شش سال طول کشید و در سال ۱۰۸۸ ق کتاب آماده چاپ شد. با این حساب، تألیف کتاب وسائل الشیعة حدود بیست سال زمان برده است (همان: ۱ / ۱۷۲). شیخ حرّ عاملی بعد از چاپ کتاب وسائل الشیعة

برای سالیان متمادی در مشهد الرضا علیه السلام به تدریس این کتاب مشغول بوده است. شیخ محمد جزائری در کتاب روح الجنان می گوید: «شیخ حرّ عاملی در مشهد مقدس، کلاس درس بزرگی داشت که در آن، کتاب وسائل را تدریس می کرد و من نیز طی سال های اقامتم در مشهد در درس ایشان شرکت می کردم» (آقابزرگ، ۱۴۰۳: ۲۶۳/۱۱).

با وجود امتیازات ویژه ای که کتاب وسائل الشیعة نسبت به مجامع حدیثی قبل از خود دارد و توانست مشکل بسیاری از محققان در رجوع به کتب مختلف حدیثی و صرف وقت فراوان برای یافتن احادیث مربوط به مسائل فقهی را برطرف کند، با این حال دارای نواقصی بود که بهره گیری از این کتاب را کمتر می کرد و برای به دست آوردن حکم شرعی دقیق و استنباط صحیح احکام، چاره ای جز رجوع به دیگر منابع نبود.

۲ - ۳ - ۲. انگیزه محقق برای تصحیح «وسائل الشیعة»

یکی از مشکلات بزرگ کتاب وسائل الشیعة با وجود امتیازات فوق العاده آن نسبت به کتب حدیثی قبل از خود، ارجاعات ناقص مؤلف است که بدون اشاره به نشانی روایات در ابواب مختلف فقهی، فقط با عناوین «قبلاً گذشت» یا «بعداً خواهد آمد» اشاره کرده است و این مستلزم صرف وقت فراوان برای یافتن احادیث در ابواب مختلف است؛ از این رو در زمان حیات آیه الله العظمی بروجردی در قم، ایشان متوجه این نقیصه می شوند و سعی در اصلاح آن می کنند، ولیکن به جهت مشغله های فراوان علمی و رسیدگی به امور مردم و سایر کارهای اجتماعی، مجالی برای این کار برای ایشان فراهم نمی شود؛ لذا روزی در سر کلاس درس، این مسئله را با شاگردان خود مطرح می کند و آنها را ترغیب به اصلاح این مشکل و تحقیق کتاب وسائل می کنند. در پی این توصیه، شصت نفر از شاگردان ایشان اعلام آمادگی می کنند و جزواتی از روایات کتاب را تحقیق و تصحیح می کنند و تحویل آیه الله بروجردی می دهند. از میان این جزوات، تنها سه جزوه مورد تأیید قرار می گیرد و نهایتاً یک نفر از میان آن سه نفر به عنوان محقق برای تصحیح این کتاب انتخاب می شود و ایشان کسی نبود جز آیه الله عبدالرحیم ربّانی شیرازی که با تشویق آیه الله بروجردی به تصحیح کتاب وسائل الشیعة مشغول می شوند (الهی، ۱۳۷۳: ۳۴).

۳. روش تصحیح محقق در «وسائل الشیعة»

تصحیحات آیه الله ربّانی بر کتاب وسائل الشیعة به چند قسم تقسیم می شود:

۳ - ۱. تصحیح مصدر روایات

شیخ حرّ عاملی گاهی در مصادر اصلی روایات، اهمال کاری کرده یا سهواً دچار خطاهایی شده است، به این معنا که گاه روایتی را از یک کتاب حدیثی نقل کرده که با مراجعه به مصدر اصلی، آن روایت یافت نشده است و ظاهراً اشتباهی در ارجاع دهی رخ داده است. یکی از کارهای مهم آیه الله ربّانی در تصحیح وسائل الشیعة، رجوع به مصادر اصلی روایت و یافتن مصدر اصلی آن است. برای نمونه در جلد ۱، صفحه ۲۸۴ و ۲۸۵ باب ۱۸ از ابواب وضوء، روایتی را از الکافی نقل می کنند، بعد ذیل حدیث اشاره می کنند که این حدیث را شیخ طوسی در تهذیب نیز نقل کرده است؛ ولی با مراجعه به تهذیب چنین روایتی یافت نشده است. آیه الله ربّانی در حاشیه کتاب به این نکته اشاره کرده و می فرماید: «لم نظفر بالحدیث فی التهذیب و لعله سهو ویؤید ذلک عدم اخراج القاسانی الحدیث عن التهذیب فی الوافی؛ موفق به یافتن حدیث در کتاب التهذیب نشدیم و شاید مؤلف سهواً آدرس به آن کتاب داده اند؛ زیرا فیض کاشانی نیز در کتاب الوافی این حدیث را از کتاب التهذیب آدرس نداده است» (حرّ عاملی، بی تا: ۱/ ۲۸۴ هامش).

نمونه دیگر: شیخ حرّ عاملی در باب وضوء، روایتی را از کتاب قرب الاسناد نقل کرده و در ذیل آن نوشته است: «ورواه علی بن جعفر فی کتابه؛ و این روایت را علی بن جعفر در کتاب خود روایت کرده است»؛ ولی مصحح کتاب در پاورقی بعد از ذکر نشانی قرب الاسناد تذکر داده اند: «المسائل لم نظفر بالحدیث؛ در کتاب مسائل علی بن جعفر این روایت را نیافتیم» (همان، ۱۷۶/ح ۹).

نمونه دیگر: در باب ۳۱ از ابواب وضوء مؤلف محترم بعد از نقل روایتی از الکافی می گوید: «ورواه الشیخ یاسناده عن محمّد بن یعقوب و کذا کل ما قبله؛ این روایت و روایت قبلی را شیخ طوسی با سند خود از کلینی روایت کرده است»؛ ولی مصحح بعد از ذکر آدرس کتاب الکافی اشاره کرده اند: «لم نظفر بالحدیث فی التهذیب و یستفاد من الوافی اختصاص الحدیث بالکافی؛ موفق به یافتن حدیث در کتاب التهذیب نشدیم و از کتاب الوافی نیز استفاده می شود که حدیث فقط در الکافی بوده است» (همان: ۳۰۸).

نمونه دیگر: مؤلف در باب دوازده از مقدمات عبادت، حدیث شماره یک را از کتاب ثواب الأعمال شیخ صدوق نقل می کند و در ذیل آن، حدیث دیگری را از کتاب علل الشرائع شیخ،

آدرس می‌دهد و در حدیث بعدی، بدون مشخص کردن مصدر حدیث، اکتفا به سند می‌کند و مشخص نیست حدیثی را که از شیخ صدوق نقل می‌کند، از کتاب ثواب الأعمال است یا علل الشرائع؛ ولی در حاشیه آن روایت، آیه الله ربّانی این مهم را برطرف کرده و با مراجعه به مصدر اصلی آن روایت، مشخص کرده است که این روایت از علل الشرائع صدوق نقل شده است و در حقیقت، سند حدیث دوم به سند روایت ذیل سند اول عطف شده است، نه سند خود روایت اول (همان: ۵۱/۱) و این خلاف رویه صاحب وسائل در کتابش است (بررسی اسناد ویژه کافی در وسائل الشیعة: ۱۹۷. برای دیدن نمونه دیگر، ر.ک: حرّعاملی، بی تا: ۱/ ۴۱/ ۱۲۱ و ۱۲۲).

۳ - ۲. تصحیح اسناد روایات

گاهی نیز شیخ حرّعاملی در اسناد روایات، یا نظر اجتهادی خود را دخیل کرده و سند را تغییر داده است یا سند را اشتباه نقل کرده است. برای نمونه، در بحث نماز جمعه، حدیثی را از امام صادق علیه السلام با این سند نقل کرده است: «محمد بن الحسن باسناده عن علی بن مهزیار، و باسناده عن أحمد بن محمد جمیعاً، عن ابن اَبی عمیر، عن حمّاد بن عثمان» که مصحح در حاشیه بعد از ذکر نشانی حدیث، تذکر داده است: «لم نظفر بالحدیث بهذا الاسناد، و الموجود هكذا: عنه اَبی علی بن مهزیار، عن محمد بن یحیی، عن حمّاد بن عثمان، آورده اَبیضا فی ج ۵ فی ۱؛ حدیثی به این سند نیافتیم و آنچه که در مصدر وجود دارد این سند است...» (همان: ۸۳/۵).

نمونه دیگر: روایتی را با این سند از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند: «محمد بن الحسن فی المجالس والأخبار عن جماعة عن اَبی المفضل عن عبد الرزاق بن سلیمان عن الفضل بن (الفضل) بن قیس بن رمانه عن الرضا علیه السلام عن اَبائه عن علی علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم...». در حاشیه، آیه الله ربّانی، ضمن ذکر قسمت حذف شده از این روایت، به سند آن در مصدر اصلی نیز اشاره می‌کند که در قسمتی از این سند اشتباه رخ داده است: «فی المطبوع: الفضل بن قیس بن رمانه الأشعری، لعل الصحیح: المفضل بن قیس أو فضل بن المفضل بن قیس...» (همان: ۱۰۸۸ / ۴). گاهی نیز یک قسمت از سند روایت در وسائل الشیعة افتادگی دارد که مصحح در حاشیه به آن تذکر داده است. برای نمونه، حدیثی را شیخ حرّعاملی از کتاب الخصال شیخ صدوق به این سند نقل می‌کند: «و فی الخصال عن اَبیه عن محمد بن یحیی عن محمد بن احمد عن اَبی عبدالله الرازی عن سجّاده عن درست عن اَبی عبدالله علیه السلام...». آیه الله ربّانی در



حاشیه ضمن ذکر آدرس کتاب الخصال، یادآور می‌شود که در مصدر اصلی بعد از «درست» شخص دیگری وجود دارد به نام «ابو خالد بجستانی» و سند می‌شود «عن درست عن ابی خالد بجستانی عن ابی عبدالله علیه السلام...» (همان: ۱۴ / ۳۱ / ۲۵۰۱۰؛ همچنین ر.ک: همان: ۲۹۹۳۸/۱۲/۱۴).

۳ - ۳. تکمیل روایات تقطیع شده

یکی از آسیب‌های جدی در حوزه جمع‌آوری حدیث، بحث تقطیع کردن روایات است. به جهت کثرت یا مشابهت روایات، شیخ حرّ عاملی در جمع‌آوری و تألیف کتاب وسائل الشیعة، دست به تقطیعات فراوان زده است و این تقطیعات در بسیاری از موارد موجب شده است قرائن موجود در صدر و ذیل روایات که موجب نتیجه‌گیری مناسب می‌شده، از بین برود و روایات زیادی به صورت تقطیع شده نقل شده است که موجب عدم فهم صحیح از متن روایت می‌شود. البته ذکر این نکته لازم است که برخی از تقطیعات، از جانب مؤلف محترم نبوده است؛ بلکه در مصدر اصلی نیز روایت به صورت تقطیع شده نقل شده است و شیخ حرّ عاملی به همان صورت تقطیع شده، آن را نقل کرده است. آیه الله ربّانی در تکمیل روایات و حلّ این نقیصه وسائل الشیعة، زحمت فراوانی را با توجه به کمبود امکانات زمان خود، متحمل شد و توانست تا حدود بسیاری، این مشکل را برطرف کند و روایات را به صورت کامل نقل کند و در مواردی که یک روایت به چند قسمت تقطیع شده و در ابواب مختلف بیان شده است، آدرس قسمت‌های تقطیع شده را تذکر بدهد تا روایت به صورت کامل و در کنار هم بررسی شود. برای نمونه، شیخ حرّ عاملی در باب هفده از ابواب زکات فطره با عنوان «باب المکاتب هل تجب علیه الفطرة أم علی سیده»، روایتی را از امام صادق علیه السلام به صورت تقطیع شده نقل می‌کند به این صورت: «عن ابی عبد الله علیه السلام قال: یؤدی الرجل زکاة الفطرة عن مکاتبه الحدیث؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: انسان باید زکات فطره غلام مکاتب خود را نیز بدهد» (همان: ۶ / ۲۵۳) که ظاهر این است که زکات مکاتب بر عهده صاحب اوست. این در حالی است که زکات بنده بر مولا زمانی واجب است که نان خور او محسوب شود؛ لذا خود شیخ حرّ عاملی در ج ۶ ص ۲۲۹ باب ۸ از ابواب زکات فطره حدیث ۹، روایت را به صورت کامل ذکر کرده و برداشتش چنین است که عبد مکاتب در صورتی که عیال و نان خور مولا محسوب شود، زکاتش بر صاحبش واجب است و این تقطیع در قسمت اول، مخّل به غرض و فتواست. برای

همین است که علامه شوشتری به شیخ حرّ عاملی اعتراض کرده و گفته است: «قرینه در ذیل حدیث وجود دارد و اکتفا به صدر صحیح نیست» (شوشتری: ۱۱۴/۴).

گاهی نیز این تقطیعات، مسیر استنباط حکم شرعی را تغییر می‌دهد و موجب می‌شود حکمی غیر صحیح استنباط شود. برای نمونه، مؤلف در ابواب مواقیت باب شصت، روایتی را از الکافی به صورت تقطیع شده نقل می‌کند به این صورت: «عن أبی جعفر علیه السلام (فی حدیث) قال: متی استیقنت أو شککت فی وقت فریضة أنک لم تصلها، أو فی وقت فوتها أنک لم تصلها، صلیتها، وإن شککت بعد ما خرج وقت الفوت وقد دخل حائل فلا إعادة علیک من شک حتی تستیقن، فإن استیقنت فلیک أن تصلیها فی آی حالة کنت؛ هر زمانی که یقین داشتی یا این که شک کردی در زمان فریضه‌ای به این که شاید نخوانده‌ای یا در وقت از دست رفتن فریضه‌ای شک کردی به این که شاید نخوانده باشی، بنا را بر خواندن بگذار و اعاده نمی‌خواهد و اگر شک کردی بعد از آن که وقت فوت فریضه گذشت و حائلی داخل شده است، در این صورت به خاطر شک، اعاده لازم نیست تا زمانی که یقین پیدا کنی و اگر یقین به نخواندن پیدا کردی باید دوباره بخوانی هر زمانی که باشد».

منظور از فوت وقت در این روایت تقطیع شده، زمان اداست؛ ولی با رجوع به روایت کامل و بدون تقطیع، روشن می‌شود که منظور از فوت وقت یعنی فوت زمان فضیلت نماز، نه فوت وقت ادا! اصل روایت چنین است: «عن أبی جعفر علیه السلام فی قول الله تبارک اسمه ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾. قال یعنی مفروضاً و لیس یعنی وقت فوتها إذا جاز ذلك الوقت ثم صلاها لم تکن صلاته هذه مؤداة و لو کان ذلك لهلک سلیمان بن داود علیه السلام حین صلاها لغير وقتها و لکنه متی ما ذکرها صلاها قال ثم قال و متی استیقنت أو شککت فی وقتها أنک لم تصلها أو فی وقت فوتها أنک لم تصلها صلیتها فإن شککت بعد ما خرج وقت الفوت فقد دخل حائل فلا إعادة علیک من شک حتی تستیقن فإن استیقنت فلیک أن تصلیها فی آی حال کنت» (مهدوی: ۱۳۸۹: ۱۴۹/۱).

لذا علامه مجلسی بعد از ذکر این روایت می‌فرماید: «الظاهر ان المراد بوقت الفوت وقت فوت الفضیله؛ ظاهراً منظور از وقت فوت، فوت زمان فضیلت نماز است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۱/۸۵). در برخی روایات تقطیع شده، اصل مطلب روشن است؛ اما این که این روایت در چه

فضایی صادر شده است و ناظر به چه موضوعی است، روشن نیست و با رجوع به روایت بدون تقطیع، محل و جهت صدور روایت نیز معلوم می‌شود. برای نمونه: مؤلف محترم روایتی را از امام صادق علیه السلام به صورت تقطیع شده نقل می‌کند: «والله لو أن إبليس سجد لله بعد المعصية والتكبر عمر الدنيا ما نفعه ذلك، ولا قبله الله عليه السلام ما لم يسجد لآدم كما أمره الله عليه السلام أن يسجد له، وكذلك هذه الأمة العاصية المفتونة بعد نبيها عليه السلام، وبعد تركهم الامام الذي تصبه نبيهم عليه السلام لهم، فلن يقبل الله لهم عملاً ولن يرفع لهم حسنة حتى يأتوا الله من حيث أمرهم، ويتولوا الامام الذي أمروا بولايته، ويدخلوا من الباب الذي فتحه الله ورسوله لهم؛ به خدا اگر ابليس پس از نافرمانی و تکبر تا عمر دنیا برای خدا سجده کند، او را سود ندهد، و خداوند متعال آن را از او نپذیرد تا بر آدم چنانچه خدا فرموده سجده کند. همین طور این امت گنهکار فریب خورده بعد از پیامبرشان و بعد از کنار زدن امامی که پیامبرشان برایشان نصب کرده بود، خداوند هیچ عملی را از ایشان قبول نمی‌کند و هیچ عمل خوبی را برایشان بالا نمی‌برد تا این که همان گونه که دستور داده است به سوی خدا بیایند و ولایت امامی را که به ولایتش دستور داده است بپذیرند و از آن دری که خدا و رسولش برایشان باز کرده است داخل شوند».

صدر این روایت حذف شده است و با رجوع به منبع اصلی متوجه می‌شویم که موضوعی پیش آمده است که امام علیه السلام این مسائل را بیان می‌کنند و اتفاقاً آن صدر روایت در فهم صحیح از این روایت و فضای صدور آن، بسیار مهم و تأثیرگذار است. از این رو مصحح محترم در حاشیه آن، صدر روایت را به طور کامل نقل کرده است: «دخلت على المسجد الحرام فرأيت مولى لأبى عبد الله عليه السلام فملت إليه لأسأله عن أبى عبد الله عليه السلام فإذا أنا بأبى عبد الله عليه السلام ساجداً فانتظرت طويلاً فطال سجوده على فقلت وصليت ركعتين وانصرفت وهو ساجد بعد فسألت مولاة متى سجد فقال: من قبل ان تأتينا فلما سمع كلامى رفع رأسه ثم قال: أبو محمد ادن منى فدنوت منه فسلمت عليه فسمع صوتاً خلفه فقال: ما هذه الأصوات؟ فقلت: هؤلاء قوم من المرجئة و القدرية والمعتزلة فقال: ان القوم يريدونى فقم بنا فقمتم معه فلما ان رأوه نهضوا نحوه فقال لهم: كفوا أنفسكم عنى ولا تؤذونى ولا تعرضونى للسلطان فانى لست بمنصت (بمفت) لحكم (لكم) ثم أخذ بيدى وتركهم ومضى فلما خرج من المسجد قال لى: يا أبا محمد...؛ ابن ابى العلاء مى‌گوید: داخل مسجد الحرام شدم و مولای آزاد شده امام صادق علیه السلام را دیدم. پس به سوی او رفتم تا از امام صادق علیه السلام سراغی بگیرم که ناگهان امام را دیدم که در حال سجده است. پس زمان زیادی

منتظر شدم دیدم سجده امام طولانی شد. پس برخاستم و دو رکعت نماز خواندم و تمام کردم، باز حضرت در سجده بود. در این هنگام از غلام امام سؤال کردم: امام از چه زمانی در سجده است؟ گفت: قبل از این که تو بیای این جا. در این هنگام امام که صدای مرا شنید، سرش را از سجده برداشت و گفت: ای ابامحمد! نزدیک بیا. پس نزدیک رفتم و سلام دادم. در این هنگام متوجه صدایی شد که از پشت سرشان می آمد. به من فرمود: این صداها چیست؟ گفتم: اینها گروهی از مرجئه و قدریه و معتزله هستند. امام فرمود: این گروه دنبال من هستند بلند شو برویم! پس من همراه ایشان برخاستم. زمانی که این گروه امام را دیدند، به سمت ایشان یورش بردند. امام فرمود: دست از من بردارید و مرا نیازارید و نزد سلطانه میرید؛ زیرا من فتوایی برای شما نخواهم داشت. آن گاه دست مرا گرفت و آنها را به حال خویش وانهاد و به راه افتاد. چون از مسجد خارج شد به من فرمود: «...» (همان: ۱ / ۹۱ / هامش؛ نیز، ر.ک: همان: ۱ / ۹۴ / ۹).

۳ - ۴. نقل روایات مشابهی که مؤلف آنها را نقل نکرده است

مؤلف محترم در بسیاری از موارد با وجود روایات مختلف در مسئله ای، بعد از نقل یک یا چند روایت، بدون نقل روایات مشابه، به ذکر عناوینی همچون: «رواه فلان مثله او نحوه» اکتفا کرده است و این نیز از آفات مهم کتاب است؛ زیرا ممکن است در همان روایات مشابه، نکاتی وجود داشته باشد که در فهم روایت مهم باشد و مسیر استنباط را تغییر دهد. از این رو آیه الله ربّانی با یافتن روایات مشابه و آدرس دهی به آنها بخش فراوانی از این مشکل را برطرف کردند. در برخی از موارد نیز که به ماقبل آدرس داده اند، با مراجعه به ابواب گذشته چنین بحث و روایتی یافت نشده است. برای نمونه، مؤلف محترم در جایی می گوید: «أقول: وتقدم ما يدل على بعض المقصود؛ می گویم: بعضی از آنچه که بر مقصود دلالت می کند قبلاً گذشت»؛ ولی مصحح محترم در حاشیه تذکر داده است که چنین مطلبی یافت نشد: «لم نظفر فيما تقدم على ما يدل؛ در آنچه گذشته است آن چیزی که بر مقصود دلالت کند نیافتیم» (همان: ۹ / ۳۸۵).

شیخ حرّ عاملی در یک باب، روایتی را از امیرالمؤمنین علیه السلام به صورت تقطیع شده نقل می کند و در ادامه بدون ذکر روایت مشابه، تنها به ذکر «عن أبي حمزة، عن علي بن الحسين علیه السلام نحوه» اکتفا می کند. آیه الله ربّانی در هامش، ضمن اشاره به قسمت حذف شده روایت قبلی، اصل روایت ابی حمزه را نیز نقل می کند و اتفاقاً هم قسمت حذف شده روایت در فهم روایت مؤثر است

و هم روایت مشابه دارای نکات منحصر به فردی است: «عن معروف بن خربوذ، عن أبي جعفر عليه السلام أن أمير المؤمنين عليه السلام قال: أما والله لقد عهدت أقواماً على عهد خلیلی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وأنهم لیصبحون ویمسون شعثاً، غبراً، خمصاً، بین أعینهم کربک المعزأ، بیبتون لربهم سجداً وقياماً، یراوحون بین أقدامهم وجباههم، یناجون ربهم ویسألونه فکاک رقابهم من النار، والله لقد رأیتهم مع هذا وهم خائفون مشفقون؛ آگاه باشید به خدا قسم در زمان دوست صمیمی ام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مردمی را می شناختم که در بامداد و شام ژولیده و گردآلود و گرسنه بودند، پیشانی آنها [در اثر سجده] مانند زانوی بز بود، برای پروردگار خود با سجود و قیام شب را می گذرانیدند، گاهی روی پا ایستاده و گاهی پیشانی به زمین می گذاشتند، با پروردگار خود مناجات نموده و آزادی خویش را از آتش دوزخ طلب می کردند. به خدا که آنها را با این حال دیدم که ترسان و نگران بودند» (همان: ۶۴/۱).

«وصدره: معروف بن خربوذ عن أبي جعفر عليه السلام. قال: صلی أمير المؤمنين عليه السلام بالناس الصبح بالعراق فلما انصرف وعظهم، فبکی وأبکاهم من خوف الله، ثم قال: ... معروف بن خربوذ از امام باقر نقل می کند که: همانا امیرالمؤمنین عليه السلام نماز صبح را در عراق به جماعت گزارد. چون از نماز فارغ شدف مردم را موعظه فرمود و از خوف خدا گریست و آنها را نیز گریانید. سپس فرمود: «...».

«و اما ما رواه أبو حمزة فهكذا: قال: صلی أمير المؤمنين عليه السلام الفجر، لم یزل فی موضعه حتی صارت الشمس علی قدر رمح، واقبل علی الناس بوجهه، فقال: والله لقد أدركت أقواما بیبتون لربهم سجداً وقياماً، یخالفون بین جباههم و رکبهم، کان زفير النار فی آذانهم، إذا ذکر الله عندهم مادوا کما یمید الشجر، كأنما القوم باتوا غافلین، قال: ثم قام، فما رأوه ضاحکاً حتی قبض؛ اما روایت ابو حمزه چنین است که می گوید: امیرالمؤمنین عليه السلام نماز صبح را با مردم خواند و پیوسته در محل عبادتش بود تا آفتاب به اندازه یک نیزه بالا آمد. در این حال، کامل رو به مردم کردند و فرمودند: به خدا مردمی را دیدم که برای پیامبر خود همه شب را به سجده و عبادت به سر می کردند و پیشانی ها و زانوهای خود را (به نوبت) بر خاک می نهادند، گویا نفس زدن دوزخ در گوش آنها بود و هرگاه نزد آنها نام خدا برده می شد، همچون درخت به لرزه می افتادند، گویا این مردم در خواب غفلت اند. راوی می گوید: سپس امام از جای خود برخاست و هرگز ایشان را خندان ندیدند تا این که از دنیا رفت» (همان: ۶۴/۱/هامش).

۳ - ۵. اشاره به نسخه بدل‌ها و اختلاف متن روایات

شیخ حرّ عاملی در بیشتر موارد، روایتی را از یک نسخه کتب حدیثی مختلف ذکر کرده و به نسخه دیگر آن و کتب دیگر اشاره نکرده است. این در حالی است که عادتاً ممکن نیست یک روایت در کتب و نسخ مختلف، عیناً یکی باشد؛ بلکه هر کدام دارای نکاتی هستند که در فهم آن حدیث راه‌گشایند. آیه الله ربّانی در تصحیح وسائل الشیعة توانست تا حدودی این نقیصه را جبران کند و بکوشد در مواردی که به منابع دسترسی داشته است، هم آدرس کتاب‌های مختلف و هم اختلاف نسخه‌ها را اشاره کرده است.

برای نمونه: روایتی را از شیخ کلینی بدین صورت نقل می‌کند: «وعن علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن النوفلي، عن السكوني عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: الألوان يعظم عليه البطن ويخدرن الألتين؛ خوردن غذاهای رنگارنگ، شکم را فربه می‌کند و باسن را سست می‌سازد». مصحح محترم در حاشیه، ضمن اشاره به نسخه دیگر، به مصدر روایت موجود در آن نسخه اشاره می‌کند که با مصدر روایت اصلی متفاوت است: «وفى بعض النسخ يحدرن بالحاء المهملة وهو كما فى النهاية حدر حدوراً ضد الصعود (المحاسن ص ۴۰۱ ح ۸۸)، وفیه: ويخدرن المتنين» (همان: ۳۱۱۶۵/۴۴/۱۷).

نمونه دیگر: روایتی را مؤلف محترم از کتاب المجالس ابن الشیخ به این سند نقل می‌کند: «الحسن بن محمد الطوسی فی مجالسه عن أبيه، عن جماعة، عن أبي المفضل عن أبي شيبه، عن ابراهيم بن سليمان التميمي، عن أبي حفص الأعشى، عن زياد بن المنذر، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن جدّه: قال: قال علي عليه السلام...». مصحح محترم در حاشیه، ضمن اشاره به آدرس مصدر، به اختلاف سند در نسخه دیگر نیز می‌پردازد: «زياد بن المنذر، عن محمد بن المنذر، عن محمد بن علي عليه السلام، عن أبيه عن جدّه» و همچنین به اختلاف متن روایت در مصدر با متن وسائل الشیعة اشاره می‌کند (همان: ۲۱۶۲۱/۵۳۸/۱۱).

۳ - ۶. استفاده از رموز

آیه الله ربّانی در تصحیح خود از رمز استفاده کرده است. رموز مورد استفاده در تعلیقه: ۱. المجلد = ج؛ ۲. الباب = ب؛ ۳. التهذيب = یب؛ ۴. الاستبصار = صا؛ ۵. من لا يحضره الفقيه = الفقيه. سایر کتاب‌ها به عنوانشان تصریح شده است و آدرس دهی به روایات در ابواب مختلف این گونه است: ابتدا



شماره جلد، بعد شماره روایت، سپس شماره باب و در پایان عنوان باب. مثلاً ج ۲ فی ۱۲ ر ۷ من ابواب المواقیف. یعنی روایت در جلد ۲ حدیث ۱۲ باب ۷ از ابواب مواقیف صلاة (همان جا).

۴. اهمیت و ارزش این تصحیح

تصحیح آیه ربانی بر وسائل الشیعة دارای امتیازات ویژه‌ای است که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود. در تصحیح این کتاب از نسخه‌های معتبر موجود استفاده شده است، مانند نسخه در دست علامه طباطبایی که با نسخه اصلی خود شیخ حرّ عاملی و نسخه‌های دیگر مقابله شده بود؛ نسخه‌هایی از جمله: الف: از کتاب الطهاره تا کتاب الجهاد، با نسخه شیخ محمد خمیسی که خود آن نیز با نسخه اصلی مؤلف مقابله شده بود؛ ب: از کتاب الجهاد تا آخر کتاب با نسخه اصلی مؤلف.

۴ - ۱. نظر علامه طباطبایی و دیگران در مورد تصحیح محقق

بعد از آن که آیه الله ربانی کار تصحیح وسائل الشیعة را به انجام رساند و مجلداتی از آن چاپ شد، علامه طباطبایی در تقریظی که بر این کتاب داشتند، در بخش ابتدایی آن به بیان ویژگی‌ها و امتیازات کتاب وسائل اشاره می‌کند و می‌نویسند: «حدود سه قرن است که علمای شیعه با اشتیاق فراوان، خود را مشغول به کتاب وسائل کرده‌اند، و به طور مداوم با آن سر و کار دارند و در استناد به این کتاب و نقل از آن مداومت دارند؛ زیرا دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است همچون، ترتیب خوب و باب‌بندی‌های مناسب و وسعت احاطه مؤلف آن نسبت به احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و هر آنچه که فقیه در استنباط احکام و مجتهد در فتوا دادن به آن نیاز دارد، در این کتاب موجود است» (حرّ عاملی، ۱۴۱۲: مقدمه)

در ادامه به بیان ویژگی‌های وسائل الشیعة با تصحیح و تعلیقات آیه الله ربانی اشاره می‌کنند و می‌گویند: «آنچه که موجب شادی من شد (و به جان خودم! موجب شادی هر طالب علمی و هر فقیهی می‌شود)، آن وسائلی است که با چاپ جدید در اسلوب تازه همراه با تصحیحات و تعلیقات عالم محقق و منتبّع، آقای ربانی شیرازی، می‌باشد» (همان). ایشان در ادامه به بیان ویژگی‌های کار آیه الله ربانی اشاره می‌کنند از جمله: «دارای تعلیقاتی است که مصادر حدیث و مرجع اصلی آن را به خوبی روشن می‌کند و تقطیعاتی را که در وسائل شیخ حرّ بوده است، به خوبی روشن می‌کند و تمام روایات و باب‌هایی را که شیخ حرّ عاملی در کتاب خود به آنها حواله داده‌اند، واضح

کرده و آدرس دقیق داده‌اند و دارای امتیازات خاص دیگری است که هر منتبّع اهل نظری نیاز به آنها دارد» (همان جا). در پایان نیز شاکر خداوند هستند که این کتاب با تمام حاشیه‌ها و تعلیقات و تصحیحات خود چاپ شد و آرزوی محققان و اهل علم را برآورده کرد (همان).

۵. نسخه‌های استفاده شده توسط محقق در تصحیح «وسائل الشیعة»

۵ - ۱. نسخه علامه طباطبایی

از جمله نسخی که آیه الله ربّانی شیرازی در تصحیح وسائل الشیعة از آن بهره برده، نسخه‌ای بوده است که در اختیار علامه طباطبایی بوده است. از مهم‌ترین امتیازات این نسخه، مقابله تمام این نسخه با نسخه اصلی شیخ حرّ عاملی است. علامه طباطبایی در پایان کتاب الوصایا می‌نویسد:

«بلغ قبلاً بالقراءة عن النسخة الأصلية والتصحيح بها وهي الجزء الرابع من المبيضة بخط مؤلفها عليه السلام من أول كتاب الجهاد إلى آخر كتاب الوصايا، وكان ذلك في مجالس كثيرة عديدة آخرها يوم الخميس السابع والعشرين من شهر صفر الخير عام تسع وأربعين وثلاثمائة وألف هجرية؛ این نسخه با نسخه اصلی مؤلف، مقابله و تصحیح شده است. و این جزء چهار از مبیضه است که با خط خود مؤلف - که رحمت خدا بر او باد - از اول کتاب جهاد تا آخر کتاب الوصایا است، و این مقابله در مجالس متعدد انجام شده است که آخرین آن در روز پنجشنبه ۲۷ ماه صفر الخير سال ۱۳۴۹ هجری بوده است» (حرّ عاملی، بی تا: ۱۳/۴۸۴).

۵ - ۲. استفاده از چاپ‌های سنگی مختلف

آیه الله ربّانی در تصحیح وسائل الشیعة، علاوه بر استفاده از نسخ خطی معتبر، از چاپ‌های سنگی قدیمی نیز بهره برده است. از میان چاپ‌های سنگی، حدود یک سوم آن از چاپ امیر بهادر - که آن نیز بر اساس نسخه شیخ حرّ عاملی چاپ شده -، استفاده شده است و همچنین دیگر چاپ‌های سنگی که تمامشان بر اساس نسخه اصلی شیخ حرّ چاپ شده و از جلد ۱۷ به بعد - که بعد از وفات مصحح، تکمیل شده است - با نسخه موجود در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، مقابله شده است (رحمانی، ۱۳۶۸).

۶. چاپ‌های مختلف «وسائل الشیعة» و امتیاز این چاپ با سایر چاپ‌ها

آیت الله ربّانی شیرازی توانست هفت جلد طبق چاپ‌های قدیمی و شانزده جلد طبق چاپ

مؤسسه اسلامی، از وسائل الشیعة را در زمان حیات خود به چاپ برساند، و مجلدات هدفه تا بیست این کتاب با چاپ مؤسسه اسلامی توسط حجة الاسلام محمد رازی تصحیح شد و در چاپ‌های بعدی به ضمیمه شانزده جلد قبلی و به صورت بیست جلدی چاپ شد. قبل از این چاپ، نسخه‌های مختلفی از وسائل در سال‌های قبل طبع شده بود، از جمله: چاپ سنگی سه جلدی بزرگ توسط نشر امیربهادر در تهران در سال‌های ۱۲۸۸ و ۱۳۲۳ - ۱۳۲۶ و یک مرتبه نیز در سال‌های بعد بدون تاریخ و یک نوبت نیز در تبریز در سال ۱۳۱۳ چاپ شد.

اما چاپ تحقیق شده وسائل توسط آیه الله ربانی شیرازی، اولین بار در سال ۱۳۷۶ شمسی انجام شد و چاپ تحقیق شده دیگری نیز در سی جلد توسط مؤسسه آل البيت (ع) در سال ۱۴۱۴ قمری به انجام رسید.

چاپ تحقیق شده وسائل آیه الله ربانی شیرازی دارای امتیازات ویژه‌ای بود که به آنها اشاره می‌کنیم.

الف. چاپ در نه جلد با قطع مرغوب و مناسب که مجلدات آن به ترتیب زیر بود: ۱. کتاب الطهارة؛ ۲. کتاب الصلاة إلى آخر الخلل؛ ۳. صلاة الجمعة إلى آخر صلاة المسافر؛ ۴. الزکاة و الخمس و الصوم؛ ۵. کتاب الحج و المزار؛ ۶. الجهاد إلى آخر الوصایا؛ ۷. النکاح إلى آخر اللعان؛ ۸. العتق إلى آخر الموارث؛ ۹. القضاء إلى آخر الکتاب، و بعد از تکمیل قسمت‌های باقی مانده، در چاپ‌های بعدی، به صورت بیست جلد چاپ شد.

ب. تصحیح کامل روایات و مقابله آن با نسخه تصحیح شده و عرضه به مصادر اولیه روایات.

ج. شماره‌گذاری ابواب و روایات.

د. اعراب‌گذاری با علامت‌های نگارشی.

ه. کاغذ خوب و مناسب.

و. چاپ ناب و خیره‌کننده.

ز. ذکر تعلیقات مفید که دارای فواید فراوانی است، از جمله: ۱. اشاره به منابع اصلی روایات و آدرس دادن به مصدر اصلی آن؛ ۲. تکمیل روایات تقطیع شده که یا آدرس آن روایات به صورت صحیح و کامل ذکر شده و یا اصل روایت در تعلیقه آمده است؛ ۳. ذکر روایات و مصدریابی مواردی که مؤلف بدون ذکر آدرس، به آنها اشاره کرده است؛ ۴. ذکر موارد تکراری روایات؛ ۵. رفع ایرادات متن و سند روایات.

۷. نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که در این نوشتار ذکر شد، می توان این گونه نتیجه گرفت:

۱. آیه الله ربّانی شیرازی توانست چاپ جدید و مرغوبی با ویژگی های مختلف از جمله: صفحه آرایی و کاغذ خوب، باب بندی مناسب و تعلیقات مفید از وسائل الشیعة عرضه کند.
۲. مصحح محترم توانست مصدر اصلی روایات را بیابد و با آدرس دهی دقیق، کار محققان بعدی را برای یافتن مصدر اصلی آسان کند.
۳. مرحوم ربّانی در تصحیح کتاب وسائل از نسخه های خطی معتبر کتاب وسائل و مصادر اصلی روایات، و نسخه بدل های مختلف بهره برده است.
۴. مصحح محترم توانست مشکل اصلی کتاب وسائل الشیعة را که تقطیعات فراوان روایات بود، برطرف کند.
۵. مرحوم ربّانی با ذکر روایات مشابه - که مؤلف محترم از ذکر آنها امتناع کرده بود -، خدمت بزرگی در جهت فهم بهتر روایت و جلوگیری از اتلاف وقت محققان، انجام داده است.
۶. تصحیح و تعلیقات عالمانه آیه الله ربّانی شیرازی توانست به علما و محققان و دانش پژوهان معارف اهل بیت علیهم السلام خدمت بزرگی ارائه دهد و زمینه فهم بهتر حدیث و اجتهاد احکام شرعی را آسان تر کند (شکر الله مساعیه و حشره الله مع موالیه!).



کتاب‌نامه

۱. اشکوری، سید احمد (۱۳۹۷ ق)، دلیل المخطوطات، قم: چاپخانه علمیه.
۲. _____ (بی‌تا)، الانجازات حول وسائل الشیعة، بی‌جا: بی‌نا.
۳. الهی، فرج الله (۱۳۷۳ ش)، ربّانی شیرازی آیه استقامت، بی‌جا: بی‌نا.
۴. آقابزرگ تهرانی، محمّد محسن (۱۴۰۳ ق)، الذریعة الی تصانیف الشیعة، بیروت: دارالاضواء.
۵. بحرانی، یوسف (بی‌تا)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: نشر اسلامی.
۶. بی نام (۱۳۶۲ ش)، «بیوگرافی مرحوم آیه الله ربّانی شیرازی»، پاسدار اسلام، سال سوم، شماره ۲۷.
۷. تمری، محمّد رضا (۱۳۹۴ ش)، تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیه الله عبدالرحیم ربّانی شیرازی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۸. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۵ ش)، گلشن ابرار، قم: نشر معروف.
۹. حجّت، هادی (۱۳۸۶ ش)، جوامع حدیثی شیعه، تهران: سمت.
۱۰. حرّ عاملی، محمّد بن الحسن (۱۴۱۲ ق)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تهران: اسلامیة.
۱۱. حرّ عاملی، محمّد بن الحسن (بی‌تا)، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت: نشر دار احیاء التراث.
۱۲. رحمانی، عبدالحسین (۱۳۶۸ ش)، تقدی بر وسائل الشیعة چاپ مؤسسه آل البيت، بی‌جا: بی‌نا.
۱۳. شبیری، سیدجواد (بی‌تا)، اسناد ویژه کافی در وسائل الشیعة، بی‌جا: بی‌نا.
۱۴. شوشتری، محمّد تقی (۱۳۶۴ ش)، النجعة فی شرح اللمعة، تهران: مکتبة الصدوق.
۱۵. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین (بی‌تا)، شرح البداية فی علم الدراية، قم: نشر فیروزآبادی.
۱۶. فتاحی زاده، فتحیه و نجیبه افشاری (۱۳۹۱ ش)، «جایگاه نقد حدیث در وسائل الشیعة»، مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال نهم، شماره ۱.
۱۷. مجلسی، محمّد باقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان (۱۳۹۰ ش)، زندگینامه مشاهیر ایران و جهان، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.



۱۹. معارف، مجید و همکاران (۱۳۹۵ ش)، «تقطیع روایات در وسائل الشیعة»، فصلنامه علوم حدیث، سال بیست و یکم، شماره ۲.
۲۰. مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۳۸۹ ش)، «بررسی آسیب تقطیع نادرست در روایات»، فصلنامه علوم حدیث، سال پانزدهم، شماره یک، ۱۳۸۹ ش.
۲۱. مهدوی‌راد، محمدعلی و محمدحسین بهرامی (۱۳۸۹ ش)، «اتحاد یا تعدد در روایات مشابه؛ بررسی تطبیقی عملکرد کتاب‌های وسائل الشیعة و جامع احادیث الشیعة»، حدیث‌پژوهی، سال دوم، شماره ۴.

